

ده قانون اولیه که برای داشتن به عکس خوب بهره رعایت کنیم



قبل از هر چیزی بهتر است یادآور شویم که هنر عکاسی در درجه اول هنر خوب دیدن است.

قانون اول: نور

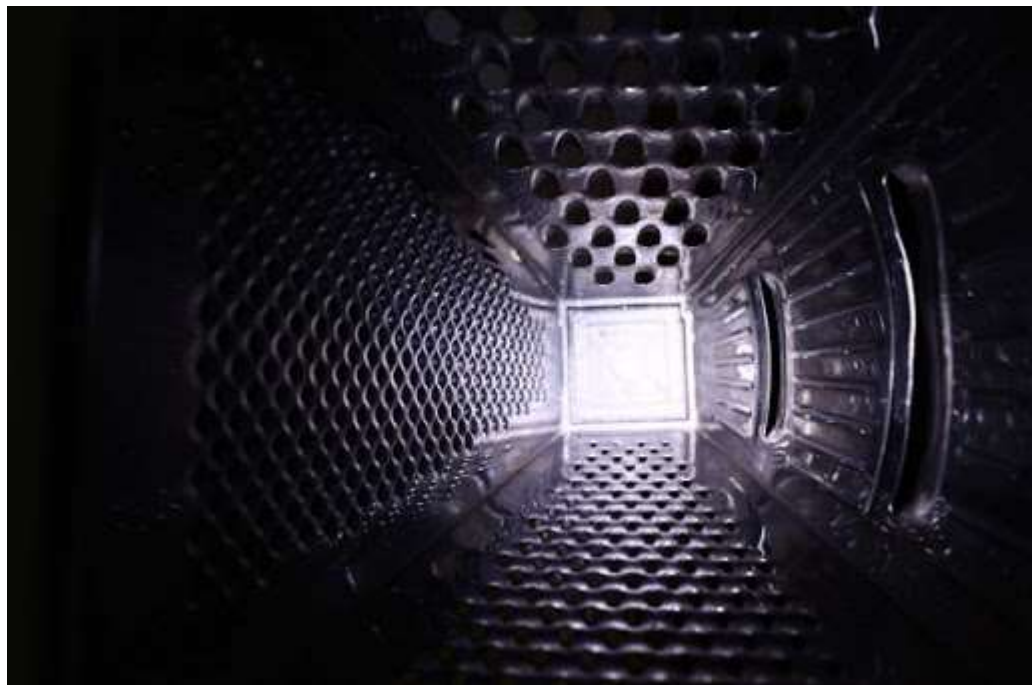
میشه گفت نور مهمترین عامل در عکاسیه خوب هست. کلمه فتوگرافی در زبان انگلیسی یعنی "نگاشتن با نور". نور مناسب می تواند به عکس ما جان ببخشد و بالعکس. با وجود این، نور مستقیم سایه روشن های تند در عکس ایجاد می کند. نور غیرمستقیم رنگ ها را زنده تر می کند. نور در عکاسی به دو صورت: نور مصنوعی مثل نور لامپها یا طبیعی مثل نور خورشید یا مهتاب است.

روزهایی که ابر نازکی تندی نور خورشید را در آسمان می گیرد، صبح های زود و عصرها بهترین اوقات برای عکاسی هستند. یادمان باشد که نور باید بر سوژه عکس ما بتابد و نه بر دوربین. و جهت نور نیز مهم هست به عنوان مثال، سایه های طولانی و نور غروب و طلوع خورشید که از پهلو بیاید می تواند یک حس تاثیرگذاری و دراماتیک به تصویر بدهد، در حالی که نورپردازی از پشت می تواند تصاویر را جادویی یا سورئال کند. و فضا را کم عمق میکند.

اما در کل هیچ نوری بد نیست و بسته به موضوع و دید هنرمند عکاس دارد. پیشنهاد من این است که یک سوژه را در کنار پنجره یا بالکن یا حیاط بگذارید و در طول روز از زوایای مختلف از آن عکاسی کنید بافتها و سایه های بوجد آمده را بررسی کنید و حتی با نور مصنوعی امتحان کنید با قرار دادن آن در فواصل و زوایای مختلف. تا جنس مختلف نور را بهتر بشناسید. و مهم اینکه اصلا از کتراست ها(تاریک و روشن های شدید) نترسید.







قانون دوم: دو قدم به جلو

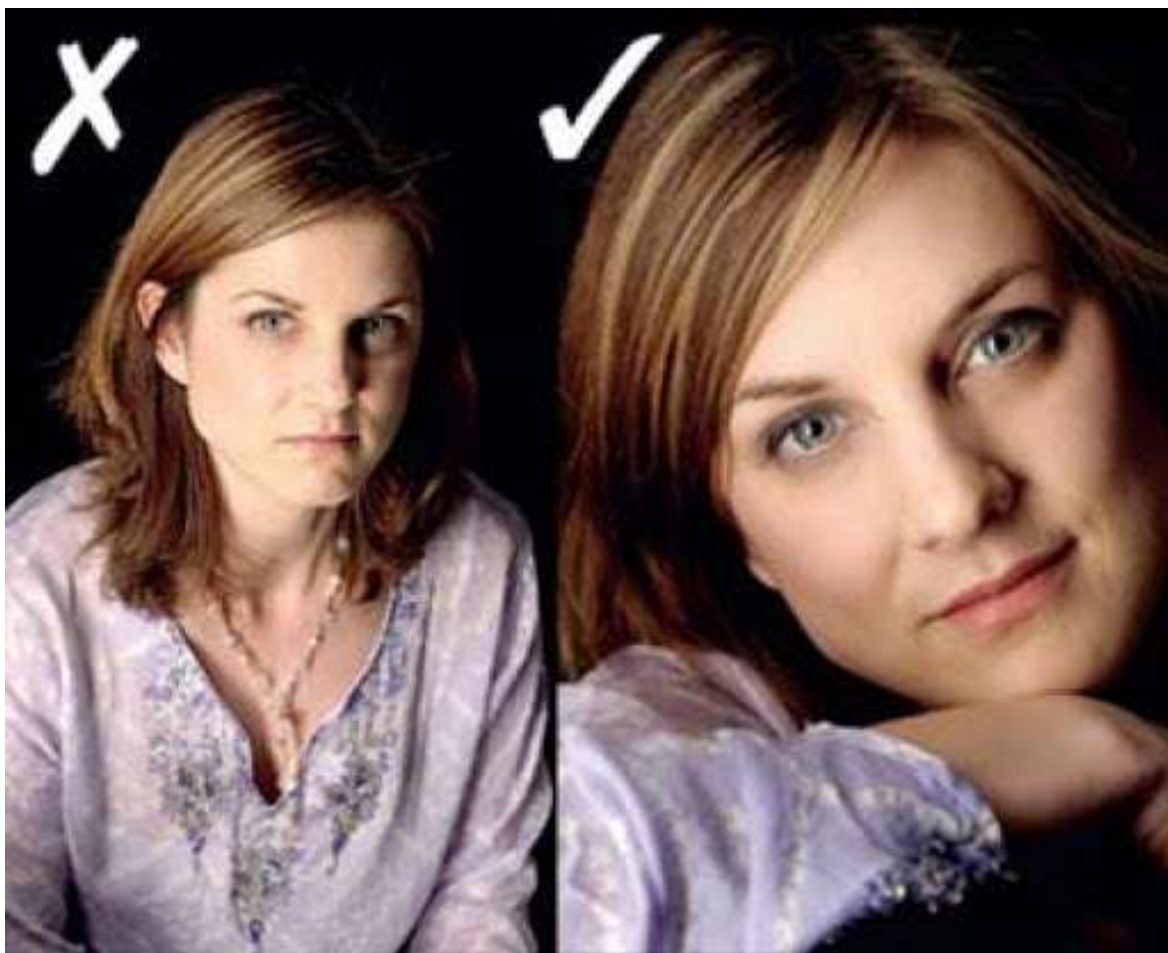
همه دوربین‌ها قابلیت زوم کردن (طویل تر شدن عدسی دوربین) را ندارند و این کار، حتی وقتی امکانش باشد، از عمق میدان عکس می‌کاهد و بخش کوچکتری از آن واضح به نظر می‌آید. برای حذف آنچه حضورش در عکس لازم نیست، بهترین راه نزدیک شدن به موضوع است. این کار از شلوغی عکس کم کرده تاکید بیشتری بر آنچه مورد نظر عکاس است می‌گذارد.

پیش از فشردن دکمه دوربین، چند قدم به موضوع عکس نزدیک شوید و دوباره از دریچه دوربین به آن نگاه کنید. اگر آنچه مورد نظر شماست بخش عمده عکس را پر نکرده، باز هم جلو تر باید رفت. در عکس زیر، انعکاس آسمان در آب و شکل برگ‌هایی که سطح آن را پوشانده اند توجه عکاس را به خود جلب کرده. برای تاکید بر این نکته باید چیزهای زیادی از عکس حذف می‌شده‌اند. این کار با نزدیک شدن عکاس به موضوع عملی شده است.



وقتی که از فاصله‌ی دوری عکس می‌گیرید شاید برایتان وسوسه‌کننده باشد که روی سوژه‌ای که می‌خواهید از آن عکس بگیرید بزرگ‌نمایی کنید. اما در واقع بهتر است که همچنین کاری نکنید، انجام چنین کاری می‌تواند باعث شود که عکس نقطه‌نقطه، تاری یا پیکسل‌شده به نظر بیاید.

در عوض تلاش کنید که به سوژه نزدیک شوید، البته اگر نزدیک شدن به سوژه خطرناک نباشد. یا می‌توانید عکس‌تان را از فاصله‌ی مورد نظرتان بگیرید و بعد عکس را کراپ کنید، به این صورت روی کیفیت عکس تاثیری نخواهید گذاشت و دستتان نیز باز است که در مرحله‌ی ویرایش تغییرات مورد نظرتان را روی عکس انجام دهید.



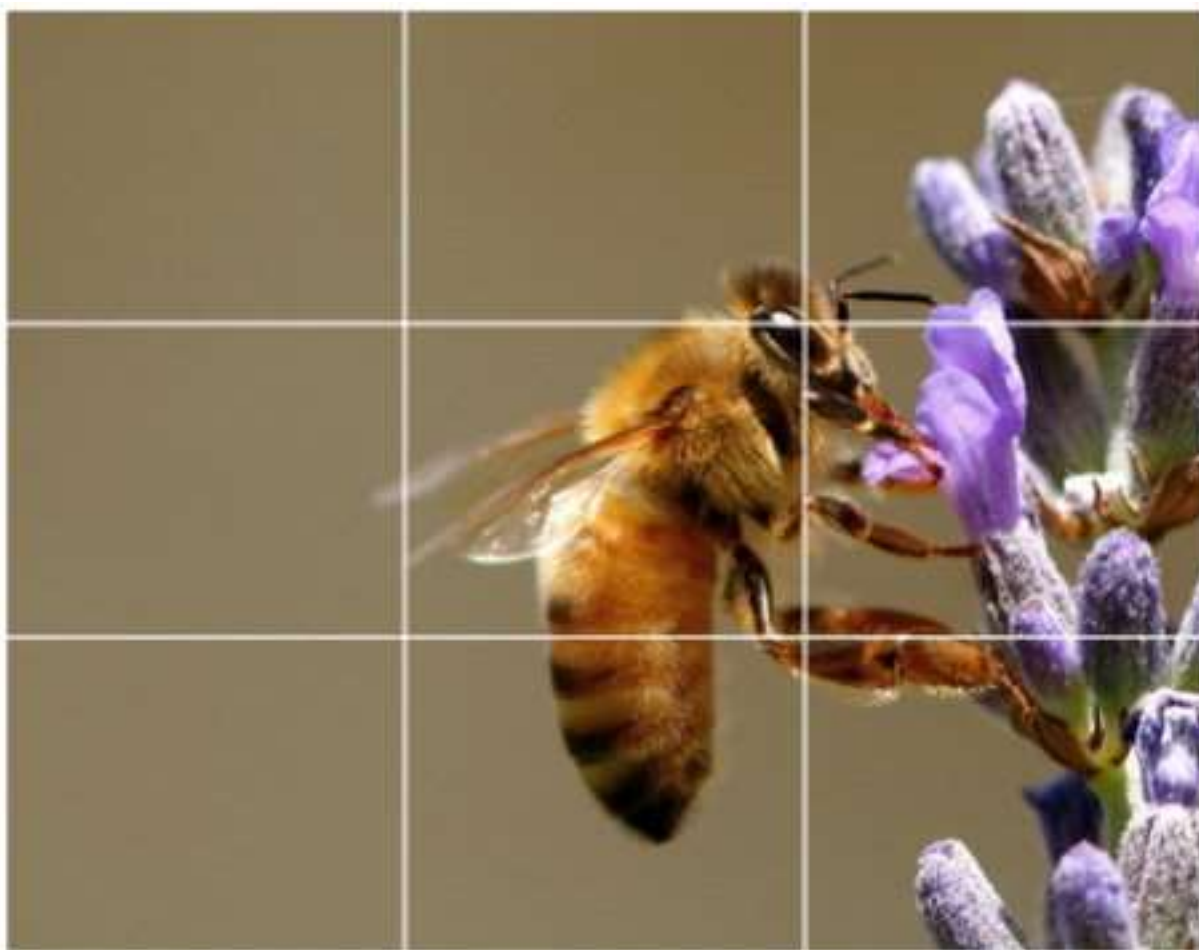
قانون سوم: قانون 1/3

یکی از آسان‌ترین راه‌ها برای بهبود عکس‌های گرفته شده با گوشی تان استفاده از خطوط شبکه‌بندی عکس است. فعال کردن چنین قابلیت‌هایی باعث ظاهر شدن تعدادی خط روی دوربین گوشی تان می‌شود، خطوطی که بر اساس قانون یک سوم خط‌کشی شده‌اند. قانون یک سوم یکی از قوانین رعایت ترکیب در عکس است که می‌گوید عکس باید به صورت افقی و عمودی به سه قسمت مساوی تقسیم شود تا در نهایت نه قسمت داشته باشیم.

بر اساس این نظریه اگر نقاط تاکید تان در عکس را در نقاط برخورد این خطوط، یا روی این خطوط بگذارید، عکس تان متعادل‌تر خواهد بود و چنین اتفاقی به بینندگان عکس اجازه می‌دهد که ارتباط بهتری با عکس تان برقرار کنند.

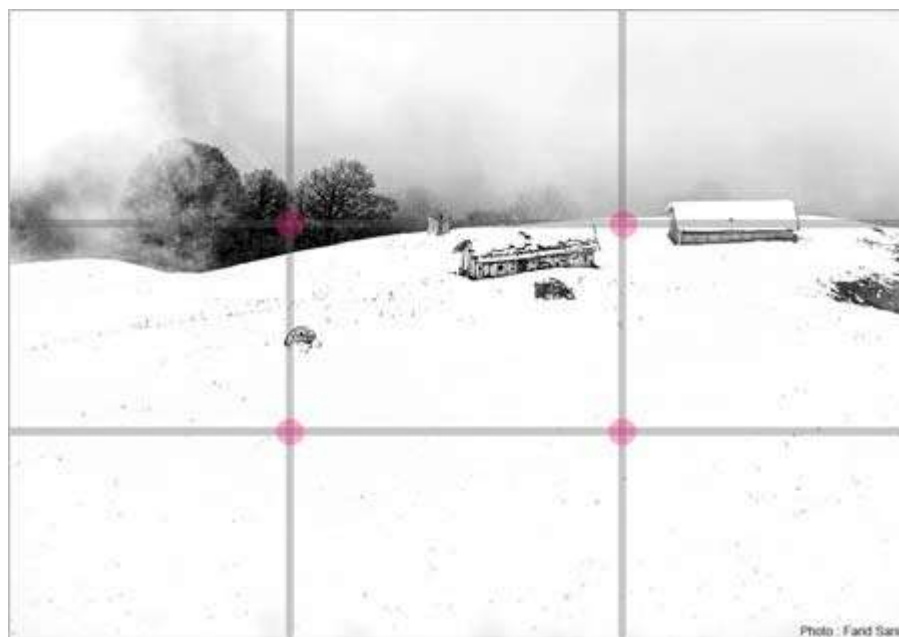
برای فعال کردن این خطوط:

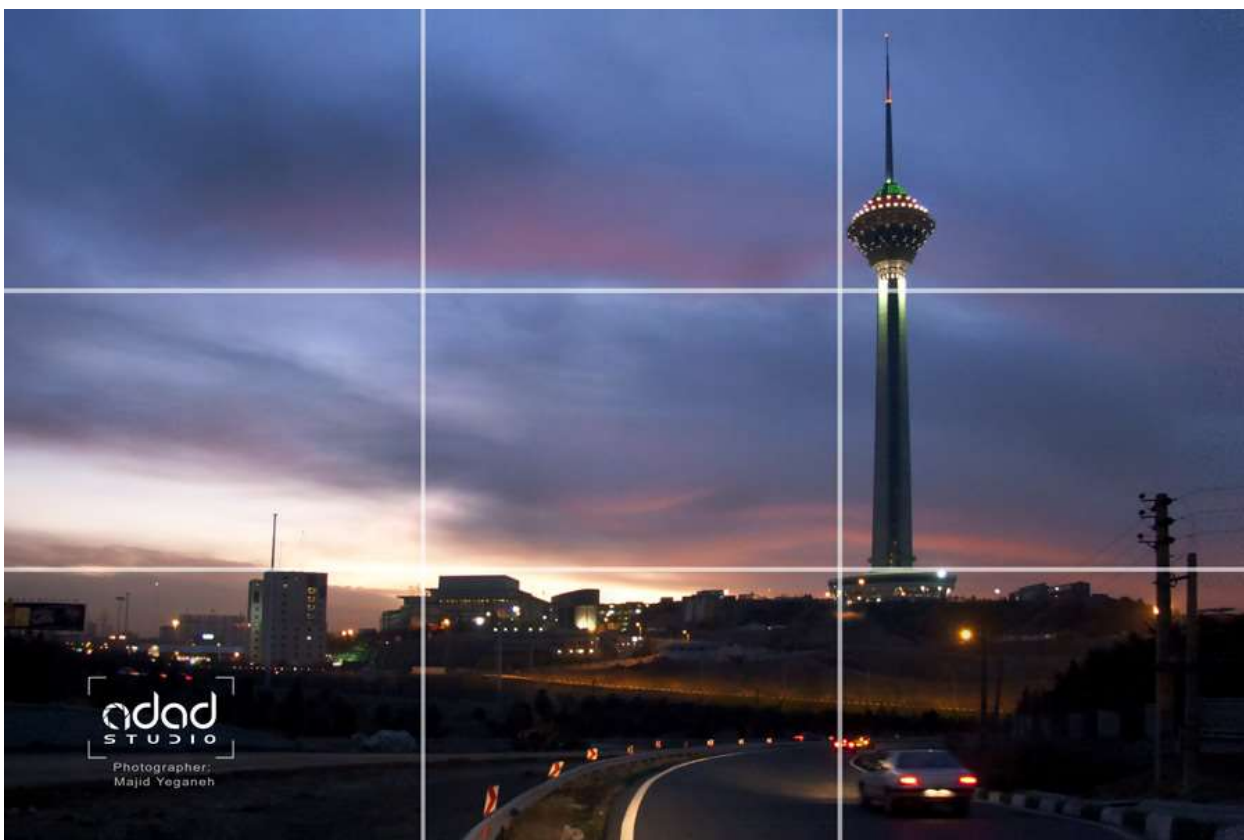
- در iPhone: به Settings بروید، Photos & Camera را انتخاب کنید و Grid را فعال کنید.
- در Samsung Galaxy: اپ دوربین تان را اجرا کنید، به Settings بروید، پایین بروید و grid lines را فعال کنید.



اغلب در عکاسی قوانین برای شکسته شدن هستند! اما قانون $1/3$ ها عموماً مورد توجه و استفاده هستند و تاثیر بسزایی در گیرایی عکسهای منظره دارند. یک عکس چشم انداز متعادل معمولاً به سه قسمت مساوی تقسیم شده (بطور مثال $1/3$ آسمان در بالا و $2/3$ دریا در پایین و یا $2/3$ آسمان و $1/3$ زمین) و این مسلماً بهتر از این است که خط افق عکس شما را از وسط به دو نیمه مساوی تقسیم کند. دو خط عمودی و افقی فرضی را در کادر به نحوی ترسیم کنید که کادر شما را به قسمتهای مساوی تقسیم کنند و سعی کنید عناصر اصلی عکس خود (مثلاً یک درخت) را در نقاط تقاطع این خطوط جانمایی کنید (بجای نشان دادن آن عنصر در مرکز کادر)، این روش به خلق حس پویایی و چرخش بهتر چشم در تصویر کمک بسزایی می‌کند. بعضی اوقات قراردادن دقیق سوژه در یکی از نقاط طلایی یا قراردادن دقیق خط افق در $1/3$ ها ترکیب

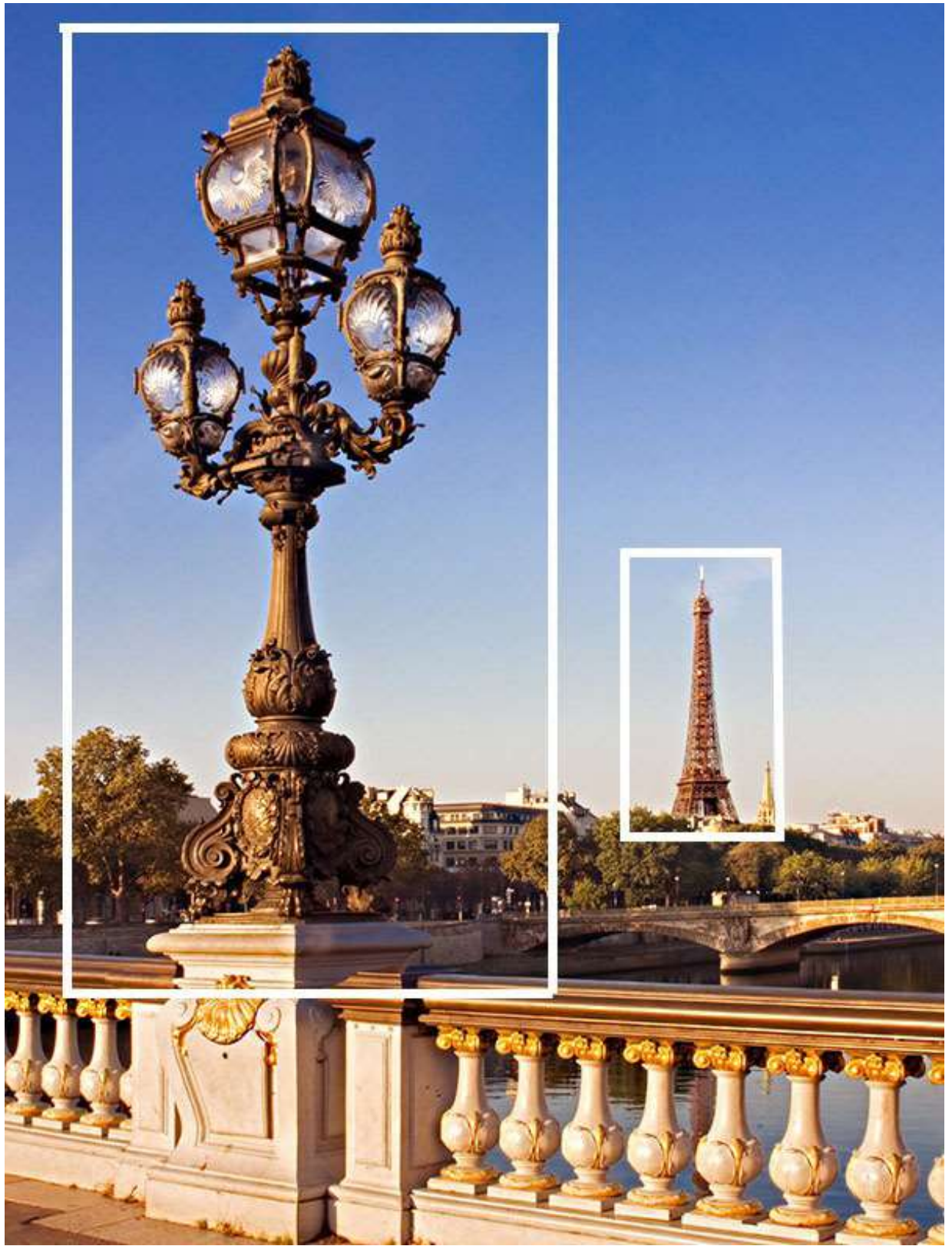
شما را دچار مشکل می کند (بطور مثال، چیزی اضافی وارد کادر شما می کند)، یا شما دو سوژه نزدیک به هم دارید که نمی توانید هر دو را در نقطه طلایی قرار دهید، نزدیک شدن بیشتر نقطه طلایی یا خط $1/3$ تا جایی که به ترکیب کلی لطمه نزنند نیز کافی می باشد!





با این حال باید مراقب باشید که این تکنیک ترکیب بندی گاهی اوقات می تواند به عدم تعادل در تصویر نهایی بی انجامد و یا می تواند موجب خالی ماندن در دیگر سمت تصویر گردد.

به منظور مرتفع کردن این مشکل، می بایست یک سوژه ثانویه ی که تاکید کمتری برای آن در نظر گرفته شده و یا سوژه ای به مراتب کوچکتر از سوژه اصلی در سمت دیگر تصویر قرار گیرد. با این روش به خوبی می توان خلا و فضای منفی ناخواسته را کنترل کرد و تعادل را در تصویر حفظ نمود.





همانطور که خطوط در تصویر بالا مشخص نموده اند یکی دیگر از مزایای این نوع ترکیب بندی ایجاد پرسپکتیو و ایجاد عمق در تصویر و ایجاد مقایسه ای برای مخاطبین می باشد.

قانون چهارم: پیدا کردن زاویه دید متفاوت

عکس گرفتن از زاویه های منحصر به فرد و نامنتظره می تواند عکس ها را با یادماندنی تر کند. همچنین از آن جایی که بیشتر عکس های گرفته شده با گوشی های هوشمند یا به صورت مستقیم گرفته می شوند و یا از زاویه دید یک پرنده هستند، زاویه دید متفاوت باعث می شود که عکس تان در بین دیگر عکس ها به چشم بیاید.

سعی کنید عکسی از آسمان بگیرید و از آسمان به عنوان فضای منفی در عکس تان استفاده کنید یا عکسی از بالا به پایین بگیرید و چنین زاویه ای را امتحان کنید.

نکته‌ای برای حرفه‌ای شدن: اگر عکس را از زاویه‌ای گرفته‌اید که خط‌ها را کمی منحنی یا نامتناسب نشان می‌دهد می‌توانید از SKRWT photo editing app برای بهبود عکس‌تان استفاده کنید.





یا مثل عکس بالا با زاویه دید متفاوت عکسهای انتزاعی بگیرید. عکاسی انتزاعی روشی عالی است که اجازه می‌دهد سوژه‌های معمولی را به صورت چیزهایی ماورایی تصویر کنید. یعنی می‌توانید همان‌طور که صبحانه می‌خورید، گوشی موبایلتان را از جیب خارج کنید و با استفاده از عناصر ساده‌ای مانند خطوط، اشکال یا رنگ‌های جذاب، تصویری جالب توجه بسازید.

کلید موفقیت در عکاسی انتزاعی استفاده‌ی مناسب از خطوط، انحناها، اشکال، طرح‌ها، بافت‌ها، سایه‌ها یا روشنایی‌ها است. همه‌ی ما این عناصر را می‌شناسیم و می‌توانیم آن‌ها را تشخیص دهیم. بخش مشکلی که باید بیاموزیم این است که چگونه باید از این عناصر به عنوان سوژه‌ی اصلی در یک عکس جذاب استفاده کنیم.



نکته مهم در این نوع عکاسی این است که باید نگاه عکاسانه‌ی خود را تربیت کنید تا تنها سایه‌ها، اشکال و بافت‌ها را تشخیص ندهد، بلکه بتواند درک کند که چگونه می‌توان این عناصر را کادربندی کرد تا به تصویری چشم‌گیر تبدیل شوند.

یک روش برای این که چشم خود را به دید انتزاعی و متفاوت عادت دهید این است که به جزئیات یک کل توجه کنید. برای مثال به جای این که به کلیت یک خانه بنگرید، به قاب هر کدام از پنجره‌های آن دقت کنید. خطوط متفاوتی را که چهره‌ی خانه را ساخته‌اند تشخیص دهید. به سایه‌های جذابی که زیر پنجره تشکیل شده توجه کنید. با این کار یعنی واسازی صحنه می‌توانید فرم‌های انتزاعی موجود در آن را بهتر و آسان‌تر تشخیص دهید.



قانون پنجم: کمپوزیسیون یا ترکیب بندی یا همچینی عناصر

آیا آنچه از پنجره دوربین می بینیم عکس نهایی ما را تشکیل می دهد. آیا اجزای عکس ما با دقت کنار هم چیده شده اند؟

کمپوزیسیون یا همچینی در عکس را می توانیم به دستور زبان تشبیه کنیم. اگر کلمات ما با نظم در کنار هم قرار بگیرند، بیان ما روشن و مفهوم خواهد بود. رابطه بین اجزای عکس، کمپوزیسیون عکس را می سازد. این رابطه باید چنان باشد که منظور ما را از گرفتن عکس به روشنی بیان کند. در اصل پنج قانونی که تا کنون اشاره شد و قوانین بعد از این همه در ایجاد یک ترکیب بندی خوب نقش دارند. به عنوان مثال وقتی سوزه را در مرکز قرار می دهیم تاکید روی سوزه را افزایش می دهیم.

برای چیدمان درست عناصر در تصویر می توان به راحتی آن ها را جابه جا کرد. برای مثال در عکاسی پرتره می توانید محل عکاسی و عناصر موجود در عکس و مدل خود را با چیدمان متفاوتی در کنار هم قرار دهید تا به نتیجه مطلوب برسید. ولی در عکاسی خیابانی که غیر قابل پیش بینی است و معمولاً عناصر متحرک هستند، باید منتظر ماند که سوزه متحرک یا هر آنچه که می خواهیم از آن عکاسی کنیم در موقعیت مناسبی قرار گیرد. یا حتی با تغییر زاویه دید، محل قرارگیری و فاصله کانونی، بتوان

به بهترین نتیجه ممکن رسید. در عکاسی از مناظر عملی نمی توان چیزی را جابه جا کرد و عکاس باید موقعیت مکانی و زاویه مناسبی را برای عکاسی بیابد.

همانطور که گفتیم، با استفاده از قوانین ترکیب بندی، چشم بیننده خود را به سمت عناصر مهم هدایت می کنیم. ترکیب بندی خود به تنهایی می توان یک شاهکار هنری را در محیط های نامناسب خلق کند و در مقابل آن، ترکیب بندی بد، یک سوژه عالی را به عکس بدی تبدیل کند. ترکیب بندی نامناسب، چیزی نیست که بتوانید آن را مانند اصلاح نور و کنتراست در نرم افزارهای ادیت عکس اصلاح کنید. گاهی با کراپ کردن کادر می توانید تا حدی برخی ایرادات را رفع کنید ولی بهتر است قبل از گرفتن عکس به انتخاب کادر و عناصر به کار رفته در فریم توجه کنید.



قانون ششم: عکس های زیادی بگیرید:

سعی کنید برای عکس گرفتن از یک صحنه به یک عکس اکتفا نکنید. حتی از یک صحنه و یا یک شخص خاص به جای یک عکس، چندین عکس پشت سر هم بگیرید. چون بسیار پیش می آید که در یک عکس دست عکاس لرزیده یا سوژه عکس حرکت کرده. مخصوصاً عکس های خانوادگی که افراد ممکن است حواسشان به دوربین نباشد یا باهم حرف بزنند. در قدیم که برای عکس گرفتن باید برای دوربین فیلم های ۲۴ تایی یا ۳۶ تایی می خریدیم حیفمان می آمد که عکس بگیریم. امروز که این محدودیت ها را نداریم می بایست هر عکس را چندین بار بگیریم و سپس بهترین آن ها را انتخاب کنیم.

قانون هفتم: از خطوط برجسته استفاده کنید

در خیلی از عکس ها خطوطی هستند که چشمان بیننده را به سمت خاصی هدایت می کنند. این خطوط می توانند مستقیم یا دایره ای و منحنی باشند. پله ها، نمای ساختمان ها، خطوط راه آهن، جاده ها، یا راه های جنگلی نمونه هایی از این خطوط هستند.

خط های برجسته راهی خوب برای ایجاد عمق در تصویر هستند و می توانند به شما کمک کنند تا عکس هایتان به نظر برنامه ریزی شده بیایند، حتی اگر خیلی تصادفی با این خطوط برخورد داشته اید

خطوط در عکاسی به همان حالتی که در هندسه می باشند تعریف نمی شوند. به لحاظ عکاسی هر چیزی که دو قسمت از عکس را به هم متصل می کند یا در ترکیب بندی امتداد دارد یک خط محسوب می شود. این شامل یک جاده منحنی یا سلسله کوه های ناهموار نیز میشود. مثلاً لبه های ابرها نیز معمولاً خط محسوب می شوند. در عکس زیر نگاه کنید چطور خطوط منحنی جاده چشم ما را از یک سمت عکس به سمت دیگر هدایت می کنند



توجه داشته باشید که الزاما خطوط نباید خطهای مستقیم باشند و میتوانند به صورت منحنی یا حتی شبیه حرف **S انگلیسی** باشند مانند جاده های پر پیچ و خم. حتی خطوط منحنی می توانند نقش موثر تر و جلوه های زیباتری را بوجود آورند.





خطوط قطری و مثلث هانجاندن مثلث ها درون یک صحنه راهی بسیار موثر برای ارائه تنش پویا است. مثلث ها می توانند اشیاء مثلث شکل واقعی یا مثلث های ضمنی (غیر آشکار) باشند.

در تصویر فوق از برج ایفل، الگوها و طرح های گرافیکی سنگ فرش ها به سادگی نقش هدایت کننده دارند و چشم مخاطبین را بر روی سوژه اصلی (برج ایفل) راهنمایی میکنند. در تصویر فوق تقارن نیز به کمک ترکیب بندی در عکاسی فوق آمده است.

قانون هشتم:زمینه پشت عکس

زمینه شلوغ پشت عکس را در زبان عکاسی می شود به هیاهویی تشبیه کرد که مانع رسیدن صدای ما به گوش مخاطب می شود. تغییر جای دوربین می تواند این پس زمینه را تغییر دهد. آرام بودن این پس زمینه به بیننده فرصت می دهد با تمرکز بیشتری به موضوع عکس نگاه کند.



در این عکس، بر روی قطرات شبنم برگ میان برگ های دیگر که در عمق میدان محو شده اند. این تصویر در عین سادگی و با دوری از پیچیدگی زیبا و تاثیر گذار است.

قانون نهم: از انعکاسها استفاده کنید

انعکاس آسمان در آب منظره‌ی زیبایی است و این که ما چنین منظره‌ای را زیبا می‌بینیم علتی دارد، علتش آن است که انعکاس‌ها برایمان زیبا هستند. پس به دنبال فرصت‌هایی بگردید که بتوانید از انعکاس در عکس‌هایتان استفاده کنید.

مکان‌های زیادی هستند که می‌توانید در آن‌جا دنبال انعکاس بگردید، برکه‌های آب، مکان‌هایی که آب جمع شده، آینه‌ها، عینک‌های دودی و سطوح فلزی فقط نمونه‌هایی از این مکان‌ها هستند





قانون دهم: از جزئیات غافل نشوید

شاید این عبارت را شنیده باشید که «چیزهای کوچک‌اند که تاثیر گذارند». بعضی اوقات چنین جمله‌ای در عکاسی نیز صدق می‌کند. عکس‌هایی که از نزدیک گرفته می‌شوند و سوژه‌های کوچکی دارند نیز می‌توانند جلوه‌ی بصری بسیار زیبایی را ایجاد کنند. می‌توانید به دنبال الگوها و بافت‌هایی همچون رنگی از نوع خاص، جاده‌ای خاکی یا بافت روی میز باشید.

نکته‌ای برای حرفه‌ای شدن: از ابزار «sharpen» در هنگام ویرایش عکس در اپ محبوب تان استفاده کنید تا جزئیات عکس تان بیشتر به چشم بیاید. همچنین می‌توانید اپ «Camera+» را دانلود کرده و از فیلتر Clarity در آن استفاده کنید، گزینه‌ای که از آن به عنوان «سس مخصوص» این اپ یاد می‌شود، قابلیتی که توسط آن می‌توانید جزئیات عکس‌هایتان را برجسته‌تر کنید.



و یا دیدن پترن ها و بافت ها و مد نظر قرار دادن آنها در تصاویر میتواند تاثیر زیادی در دلنشین شدن ترکیب بندی، عکاسی داشته باشد، تنها کاری که باید انجام دهید، تیزبینی و دقت و پیدا کردن پترن ها و الگوهای مختلف و ایجاد ترکیب بندی فوق العاده می باشد.

و:

بایدها و نبایدها:

- برای عکسی که می خواهید بگیرید به اندازه کافی وقت بگذارید و روی آن فکر کنید، اینکه فقط آرزو کنید عکس خوبی ثبت شود کافی نیست!
- سعی کنید بجای اینکه چندین عکس معمولی بگیرید، یک عکس فوق العاده خلق کنید!
- از ترکیب بندی های شلوغ و نامرتب پرهیز کنید
- بطور عمومی در نور خیلی تند و میان روز عکاسی نکنید، اما این یک قاعده کلی نمی باشد، شما با شناخت و درک صحیح نور بهترین تصمیم گیرنده هستید.

با آرزوی موفقیت برای شما عزیزانم

مهراوران